

دانشگاه صنعتی امیرکبیر صحنه بر خوردهای مزدوران رژیم و دانشجویان مدافع آزادی

یورش چاقو کشان و چماق داران حزب الله با حمایت حفاظت دانشگاه و مزدوران رسمی رژیم باردیگر محیط های دانشجویی کشور را به مراکز پرجنب و جوش مبارزه علیه استبداد بدل کرده است. دانشجویان دانشگاه صنعتی امیر کبیر در نامه ای سرگشاده به خاتمی خواستار تحقق قول های انتخاباتی و استقرار آزادی و جامعه مدنی شدند و اعلام کردند که در صورت ادامه این یورش ها رأساً با آن به مقابله خواهند پرداخت. در نامه ای دیگر که در مورد یورش مزدوران رژیم به جلسه دکتر پیمان و یزدی منتشر گردیده است نیز

ادامه در ص ۳

**اطلاعیه دبیرخانه کمیته
مرکزی حزب توده ایران
پیرامون یورش وحشیانه
گرمگان رژیم به دفتر آیت
الله منتظری**
در ص ۳

بدرود رفیق مارشه

در ص ۸

خامنه ای - خواستار محاکمه منتظری شد
در ص ۲
**کنفرانس سراسری اتحادیه انجمن های
اسلامی، دانشگاه ها در اراک** در ص ۲
**رسالت - دفاع از دولت يك وظیفه انقلابی
است** در ص ۲
نفت بازم نفت در ص ۷
**پیام کمیته مرکزی به حزب
کمونیست فرانسه** در ص ۸
مراسم انقلاب اکتبر در ص ۸

نگاهی به شرایط اقتصادی کشور در آستانه ارائه بودجه سال ۱۳۷۷

از دروغ های «سردار سازندگی» تا واقعیت های سخت اقتصادی

● خاتمی: «دولت که تقریباً در نیمه سال مسؤلیت گرفت اولاً با عدم تحقق درآمدها روبرو است و ثانیاً با ۸۵۱ میلیارد تومان کسری بودجه مواجه است»

هاشمی رفسنجانی به هنگام پایان کار دولت خود در گزارشی که به مردم در زمینه «دست آوردهای» دولت خود ارائه داد، ایران را یک کشور پیشرفته از نظر اقتصادی، قدرتمند و در حال رشد توصیف کرد. ما به موقع خود در مورد این دروغ های «سردار سازندگی» نوشتیم و تأکید کردیم که دولت جمهوری اسلامی حتی با اتکاء به آمار و ارقام رسمی رژیم یک دولت ورشکسته از نظر مالی است و شرایط اقتصادی کشور بسیار وخیم می باشد. خاتمی رییس جمهور جدید در گزارشی که به مناسبت **ادامه در صفحات ۴ و ۵**

نامه
مردم
ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۲۰، دوره هشتم
سال چهاردهم، ۱۱ آذر ماه ۱۳۷۶

شعله های حریقی که پایه های رژیم «ولایت فقیه» را می سوزاند

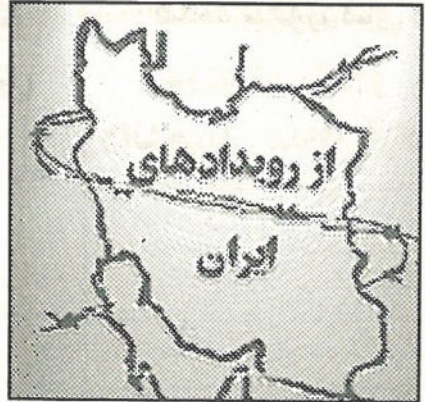
«از مهمترین خصوصیات رژیم کنونی، ساختار قرون وسطایی آنست. ساختار "ولایت فقیه" که در تضاد کامل با دموکراسی و آزادی است، کلیدی ترین اصل ساختاری جمهوری اسلامی را تشکیل می دهد. بدون وجود این اصل مبنای اصلی ماهیت وجودی جمهوری اسلامی در چارچوب کنونی یکلی نفی می گردد. ... امروز در جامعه ما از یورش به روزنامه ها، و مجلات مترقی، تا یورش به نیروهای سیاسی و سرکوب و حمله به زنان همه بر اساس "دستورات ولی فقیه" سازمان دهی می شود. در واقع تمامی قوانین مملکتی، و از جمله قانون اساسی کشور کاغذ پاره ای بیش نیستند، که تمام اصول آن می تواند با فرمان یک فرد به کلی نفی شود حزب توده ایران با این درک است، که معتقد است مبارزه علیه ساختار "ولایت فقیه" کلیدی ترین عرصه مبارزه با استبداد و اختناق کنونی است. تا هنگامیکه این ساختار قرون وسطایی بر مملکت ما حکمفرماست، امیدوار بودن به تحول جدی در جامعه، سراب و توهمی بیش نیست و تجربه سال های اخیر نیز این امر را بارها به اثبات رسانده است... تدارک و سازمان دهی مبارزه برای پایان دادن به این شیوه حکومتی در کشور ما تنها آغازی است برای تحولات بعدی برای ایجاد یک جامعه آزاد و متکی بر آراء مردم. بدیهی است از آنجائیکه حاکمیت جمهوری اسلامی عمدتاً از رهبران مذهبی تشکیل می شود، این مجموعه با چنین تغییراتی بشدت مخالفت خواهد کرد و تنها زمانی تن به چنین تغییراتی خواهد داد که مبارزات مردم چنین خواستی را به آنان تحمیل کند...»
از اسناد دومین پنلوم کمیته مرکزی حزب توده ایران - آذرماه ۱۳۷۱ (مندرج در «نامه مردم» ۳۹۰)

میان جناح های حاکم، و انتقادات جدی او از سران جمهوری اسلامی و در مقابل سخنان خود ستایانه خامنه ای در دفاع از ولایت و تهدید مخالفان به سرکوب از یک سو نشانگر نزدیک تر شدن مبارزه به آخرین سنگرهای ارتجاع است و از سوی دیگر از ابعاد بحران کنونی رژیم، که دامنه آن حتی به درون حوزه های علمیه نیز کشانده شده است، حکایت دارد. اهمیت شرایط از آنجا ناشی می شود که توده های وسیع مردم بیش از پیش به این درک مشخص می رسند که «ولایت فقیه» مهمترین اصل بازدارنده در راه تحقق خواست های آنان، از جمله استقرار آزادی، جامعه مدنی و حاکمیت قانون است که آنان در جریان انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ماه به روشن ترین شکل ممکن علیه ادامه حاکمیت رژیم «ولایت فقیه» ابراز کردند.
خامنه ای در سخنان خود (پنجم آذرماه ۱۳۷۶) **ادامه در ص ۶**

شعله های حریق خشم توده های ناراضی از ادامه استبداد قرون وسطایی حاکم پایه های رژیم دیکتاتوری را می سوزاند و روحانیت حاکم هراسناک از عاقبت کار جبهه واحدی را در مقابل خواست و اراده توده مردم ایجاد کرده است. دفاع بی چون و چرای مجموعه جناح های حاکمیت از «ولایت فقیه» به مثابه پایه های اساسی و نگاه دارنده رژیم کنونی که در سخنرانی ها و بیانیه های گوناگون بازتاب یافت (از جمله سخنان خامنه ای، رفسنجانی، مشکینی، یزدی، مدرسین حوزه های علمیه قم، کارگزاران سازندگی، مجمع روحانیون مبارز، هیأت دولت و گروه های مختلف حزب الله در مجلس و...) باردیگر این نظر حزب ما را به اثبات می رساند که «ولایت فقیه» کلیدی ترین حلقه در حفظ ساختار استبدادی و ضد مردمی کنونی است. سخنان شجاعانه آیت الله منتظری، بدور از حساسبگری های سیاسی و کاسبکارانه رایج در

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!



خامنه ای خواستار محاکمه منتظری شد

سید علی خامنه ای در سخنانی که در حضور پاسداران و بسیجیان ایراد کرد ضمن حمله شدید به مخالفان «ولایت فقیه» خواستار برخورد «قانونی» با منتظری شد. خامنه ای در این سخنان «ولایت فقیه» را محور اساسی «نظام جمهوری اسلامی» اعلام کرد و از گروه های مختلف خواست تا پایان کنفرانس تهران از راه پیمایی و تظاهرات خودداری کنند. خامنه ای در همین سخنان از جمله گفت: «امروز به این نتیجه رسیده اند که برای کوبیدن انقلاب باید به سراغ حوزه های علمیه و دانشگاه ها و یا یک فرد معمم بروند، تا بلکه از طریق آنها به هدف خود برسند...» به گفته خامنه ای: «ورسکستگان سیاسی، ضربت خوردگان از انقلاب، تودهنی خورده ها از بسیج مردمی، ضربه خورده ها از دادگاه های انقلاب اسلامی و... واسطه های دشمن هستند» که امروز به این نتیجه رسیده اند که: «باید رهبری انقلاب را هدف قرار داد، زیرا می داند که با وجود یک رهبر مقتدر در ایران اسلامی، همه توطئه هایش نقش بر آب خواهد شد... رهبری یعنی آن نقطه ای که مشکلات را علاج دولت به دست او حل می شود، نفس او حقیقت را برای مردم روشن و توطئه های دشمن را بر ملاء می کند...» (خبرگزاری جمهوری اسلامی ۵ آذر).

اجلاس سالانه «دفتر تحکیم وحدت» با انصار حزب الله، برخورد خواهیم کرد

بر اساس گزارش هفته نامه «میهن» شماره ۱ آذرماه ۱۳۷۶، «نوزدهمین نشست تکمیلی انجمن های اسلامی دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور (دفتر تحکیم وحدت) در دانشگاه اراک برگزار شد». بر اساس همین گزارش در این نشست نمایندگان بیش از ۵۰ دانشگاه کشور حضور داشتند و از جمله به بررسی آخرین وضعیت سیاسی کشور پرداختند. «دفتر تحکیم وحدت» در انتهای کار کنفرانس با صدور قطعنامه ای تهدید کرد که در صورت تکرار حوادثی چون زدوخورد های ۱۳ آبان با مهاجمین برخورد جدی و مستقیم خواهد کرد و عواقب آن را بر عهده مسؤولان امنیتی می داند.

● همچنین بر اساس گزارش روزنامه اخبار (سه شنبه ۴ آذرماه) «جامعه مستقل دانشجویی دانشگاه صنعتی امیر کبیر» با ارسال نامه ای سرگشاده به آقای خاتمی از وی خواست تا راه برخورد با «تشنج طلبی گروه های فشار و

خواست های غیر قانونی مسؤولان دانشگاه را به دانشجویان نشان دهد». بر اساس همین گزارش در این نامه از جمله آمده است: «جناب آقای خاتمی! امروز گروه و گروه هایی دانشگاه را محل تاخت و تاز خود قرار داده اند و با زور و قدر قدرتی که منشأ آن اغلب نامرئی است هر روز با حربه ای قصد وارد کردن ضربه به پیکر تفکر و اندیشه را دارند و می خواهند با منطق زور به سرکوب عقاید و اندیشه ها بپردازند... ما هنوز بر عهد خود با شما در دوم خرداد مبنی بر جامعه مدنی مبتنی بر آزادی و عدالت استواریم و مایل نیستیم به روش های گروه های قانون شکن و هرج و مرج طلب عمل کنیم...».

روحانیت نگران و دفاع از ولایت فقیه

با زیر علامت سؤوال بردن «ولایت فقیه» و نقش «ولی فقیه» به عنوان «ولی امر مسلمین» از سوی آیت الله منتظری و آذری قمی هراس عمیقی در درون روحانیت حاکم از خطرات طرح چنین نظراتی در جامعه بالا گرفت و افزون بر گسیل گروه های چماق دار حزب الهی به خیابان ها برای ایجاد جو ارباب و خفقان، چهره های کلیدی رژیم از جناح های گوناگون نیز یک صدا در دفاع از «ولایت فقیه» به میدان آمدند و بر «پاسداری» از این اصل تاکید کردند. گزارش برخی از این حرکات به شرح زیر است:

● جوادی آملی از مدرسین حوزه علمیه قم که در راهپیمایی قم سخنرانی کرد، ضمن حمله شدید به آیت الله منتظری و «ساده لوح» خواندن او از جمله گفت: «آنهایی که می خواهند شأن و اختیارات ولایت فقیه را به نظارت و وکالت کاهش دهند باید بدانند که ولایت فقیه در قرآن و قانون اساسی به معنای اداره امور است و کلیه احکام و دستورات ولی فقیه بر همه مردم حاکم است... البته علماء و جوانان ما در حفظ نظم و امنیت خواهند کوشید اما اگر کسی از روی شهوت به مخالفت با نظام پرداخت باید صدایش را خفه کنند...»

● هاشمی رفسنجانی نیز در سخنان دوبهلوی که روز سه شنبه ۴ آذرماه از رسانه های گروهی بخش شد، اعلام کرد که «اگر این وحدت ملی که محورش ولایت فقیه است آسیب ببیند کشور آسیب خواهد دید... مطرح شدن بحث های اخیر در جامعه مرموز است، مدتی است که بوی این موضوع استشمام می شد و من هشدار داده بودم...». وی در همین سخنان ضمن اشاره غیر مستقیم به یورش گروه های فشار افزود: «گروه ها حق اعمال زور علیه یکدیگر را ندارند، فضای منطقی باید جایگزین فضای عصبی بشود... بدون حزب دموکراسی در ایران نهادینه نمی شود و خیلی ها ترجیح می دهند بجای حزب باند تشکیل دهند...».

● مجمع روحانیون مبارز نیز از زبان دبیر خود مجید انصاری که رییس گروه «مجمع حزب الله مجلس» نیز هست ضمن حمله به سخنان آیت الله منتظری آن را اقدامی علیه دولت آقای خاتمی و مرتبط با توطئه های بیگانگان دانست.

آتش بس يك ماهه» تا کنفرانس تهران

با تشدید درگیری میان جناح های گوناگون

رژیم جمهوری اسلامی و اوج گیری ناراضیاتی مردم از تحریکات ارتجاع حجتی کرمانی که از سوی جناح رسالت به «لیبرال» بودن متهم گردیده بود، در مقاله ای در روزنامه اطلاعات پیشنهاد کرد که بهتر است به برخورد ها و مشاجرات تا پایان برگزاری کنفرانس تهران خاتمه داد. به گفته حجتی کرمانی: «... در شرایط استثنایی آماده شدن جمهوری اسلامی ایران برای برگزاری کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران وجود جو آرام و مطمئن ضروری ترین و فوری ترین مقوله ای است که باید به آن توجه کرد. در چنین شرایطی باید از هرگونه تشنج و ناآرامی و دعوا ها و منازعات رسانه ای و روزنامه ای جلوگیری کرد. مسلماً مقام معظم رهبری انقلاب اسلامی و دولت کریمه جناب آقای خاتمی، هیچگاه راضی نیستند که واقعیت شرایط کشور ما به گونه ای باشد که دستاویزی برای دشمنان و مخالفان داخلی و خارجی باشد که با تحریف حقایق و جعل شایعات جو فضایی عمومی جامعه ایران را برآشفته و نامطمئن جلوه دهند تا بدانجا که استرالیایی ها هم زبان دراز کنند و برای برگزاری مسابقات در تهران و دیدار با فوتبالیست های قهرمان ایرانی، بهانه بیآورند و حرف های سست و نامربوط بزنند... از همه برادران و خواهرانی که غم ولایت و انقلاب را می خورند درخواست دارم که از امروز یکم آذرماه تا پایان مراسم برگزاری کنفرانس کشورهای اسلامی به دعاها و مشاجرات و تظاهرات و گفتگوهای روزنامه ای و... مسجدی و منبری و حوزوی و دانشگاهی در همه جا خاتمه دهند و با اعلام و مراعات یک آتش بس حداقل یک ماهه جو جامعه را به عادی برگردانند...».

رسالت - «دفاع از دولت يك وظیفه انقلابی»

روزنامه «رسالت» در سرمقاله پنجشنبه ۲۹ آبان ماه خود به ارزیابی مصاحبه دکتر خاتمی با صدا و سیمای جمهوری اسلامی پرداخته و از جمله می نویسد: «نطق رییس جمهور در یک جمله آرامش دهنده و آگاهی بخش بود... سخنان صریح رییس جمهور در مورد جایگاه «ولایت فقیه» در نظام ما در حالی ابراز می شد که در داخل و خارج از کشور سخیف ترین و ناشایسته ترین حملات متوجه این رکن عظیم انقلاب اسلامی بود... حمایت از دولت به عنوان ملموس ترین نماد حاکمیت جمهوری اسلامی یک وظیفه انقلابی است. حمایت از دولت یک سنت همیشگی طی دودهه اخیر بود که هم امام و هم رهبری معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای بر آن تاکید می ورزیدند. بدون شک در مورد دولت جدید هم همین قاعده برقرار است. حمایت از دولت یک وظیفه انقلابی و تضعیف آن یک امر نامعقول و حتی ضد انقلابی است... بدون شک سؤال در مورد عملکرد ۱۰۰ روزه دولت بسیار است. رییس دولت در اولین برخورد جدی به منظور ارائه گزارش به پیشگاه ملت کارنامه نسبتاً قابل قبولی تقدیم کرد. شاید این تعبیر که گزارش رییس جمهور به مردم نجیبانه بود، تعبیری درخور باشد...»

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

حزب توده ایران یورش وحشیانه مزدوران استبداد و واپسگرایی را به دفتر آیت الله منتظری شدیداً محکوم می کند

باردیگر فریاد آزادی خواهی و طرد استبداد قرون وسطایی حاکم هدف یورش چاقو کشان و چماق داران رژیم «ولایت فقیه» قرار گرفته است و ارتجاع حرکت حساب شده و وسیعی را برای بازپس گیری مواضع از دست رفته آغاز کرده است. به میدان آمدن مزدوران وزارت اطلاعات که به نام گروه های «حزب الله» و «انصار حزب الله» فعالیت می کنند و یورش به گردهمایی ها، نشست ها و راه پیمایی دانشجویی، حمله وحشیانه و مضر و مذبذب کردن آیت الله منتظری، و ضرب و شتم دکتر پیمان و دکتر یزدی (با همکاری حفاظت دانشگاه امیر کبیر) در حالی که دولت جدید استقرار قانون و جامعه مدنی را مهمترین وظیفه خود اعلام کرده است، نشان می دهد که در شرایط ادامه رژیم «ولایت فقیه» و حاکم بودن «ولی فقیه» بر همه احکام و قوانین کشور، نمی توان به تحقق چنین خواست هایی امیدوار بود. حزب توده ایران پس از پیروزی بزرگ مردم در دوم خرداد که با رأی کوبنده خود مشت محکمی بر دهان مدافعان «ذوب شدن در ولایت» زدند، یادآور شد که روحانیت حاکم و ارگان های زیر نظر آن از شورای نگهبان تا قوه قضائیه و دستگاه های سرکوب مصمم اند تا جلوی هرگونه تغییر و تحول پایدار و دموکراتیک را به سمت استقرار آزادی و حاکمیت جامعه مدنی و قانون سد کنند. تحولات هفته های اخیر درستی چنین ارزیابی را به اثبات می رساند و باردیگر نشان می دهد که میان استقرار جامعه مدنی و حاکمیت قانون و رژیم «ولایت فقیه» تضاد آشتی ناپذیری وجود دارد که تنها با شعار دادن و «دعای» خیر کردن حل ناشدنی است. آنچه امروز ما در ایران شاهد هستیم ادامه همان سیاست هایی است که در دهه اخیر تمامی آرمان های انقلاب مردمی بهمن ۱۳۵۷ را قربانی تاریخ اندیشی و واپسگرایی کرده است و سیاست سرکوب، شکنجه و اعدام های جمعی دگر اندیشان را به مثابه یگانه سیاست ممکن برای ادامه استبداد حاکم به میهن ما تحمیل کرده است. یورش وحشیانه مزدوران رژیم و مضر و مذبذب کردن آیت الله منتظری، که یکی از برجسته ترین علما و شخصیت های جنبش مذهبی ایران است نشان می دهد که رژیم استبدادی حاکم نه تنها هیچگونه اعتقادی به آزادی ندارد بلکه حتی درون روحانیت نیز حاضر به تحمل هیچگونه دگراندیشی نیست. یورش سازمان یافته حاکمیت و تهدیدهای رازینی «رییس دادگاه ویژه روحانیت» که گفته است خمینی به این شرط به آیت الله منتظری امان داد که او در کارهای سیاسی دخالت نکند در عین حال نشانگر وحشت عمیق ارتجاع حاکم از نضج گیری مبارزه ای است که به درستی «ولایت فقیه» را به مثابه اساس استبداد و دیکتاتوری در میهن ما هدف قرار داده است و خواهان طرد این اصل به مثابه سد اساسی حرکت به سمت آزادی و استقرار جامعه مدنی است.

حزب توده ایران یگانه سازمان سیاسی کشور بوده است که اکنون سال ها است بر این نکته پا فشرده است که در چارچوب حاکمیت اصل «ولایت فقیه» که تبلور روشن استبداد فردی است نمی توان به سمت آزادی و دموکراسی حرکت کرد. «ولایت فقیه» در اساس بر پایه استبداد مطلقه روحانیت و در تضاد آشکار با خواست های آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی انقلاب مردمی بهمن ۱۳۵۷ است. مقابله با این یورش سازمان یافته ارتجاع حاکم مهم ترین وظیفه همه نیروهای مردمی و کسانی است که خواهان استقرار آزادی، جامعه مدنی و حاکمیت قانون در ایران هستند. حزب توده ایران ضمن محکوم کردن یورش وحشیانه جدید مزدوران رژیم علیه دگر اندیشان و مضر و مذبذب کردن آیت الله منتظری، همه نیروهای ملی و آزادی خواه کشور را فرا می خواند تا در دفاع از آزادی و حقوق و آزادی های دموکراتیک به پا خیزند. پیروزی عظیم مردمی دوم خرداد نشان داد که توده های انبوه مردم جان به لب رسیده از استبداد «ولایتی» این توان را دارند که «حزب الله» و «انصار حزب الله» را درهم بکوبند و رژیم حاکم را به عقب نشینی وادار کنند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
دوشنبه ۳ آذرماه ۱۳۷۶

ادامه دانشگاه صنعتی امیر کبیر ...
دانشجویان در مورد شرایط کنونی و موج نوین اختناق و سرکوب می نویسند: «در پی دعوت جامعه مستقل دانشجویی دانشگاه صنعتی امیر کبیر از جناب آقایان دکتر حبیب الله پیمان، مهندس عزت الله سحابی، هاشمی رفسنجانی، مهندس عباس عبیدی، موسوی خوئینی ها، بهزاد نبوی، دکتر ابراهیم یزدی و خانم اعظم طالقانی جهت شرکت در میزگردی تحت عنوان «تسخیر سفارت آمریکا و تأثیر آن بر روابط ایران و آمریکا» در ساعت ۹/۳۰ صبح روز سه شنبه ۲۷ آبان ماه در مسجد دانشگاه صنعتی امیر کبیر این دعوت از جانب تعدادی از مدعوین مورد اجابت واقع شد.

در ساعت ۹ صبح جناب آقای دکتر یزدی در دانشگاه حاضر شدند و در همان ساعت تعدادی نیروهای شبه نظامی و گروهک های فشار که در میان آنها فرمانده بسیج دانشگاهی و تعدادی از اعضای بسیج نیز دیده می شدند به گروه های دانشجویی محافظ مدعوین حمله ور شدند. این نیروهای مجهول الهویه به کمک تعدادی از کارکنان حراست دانشگاه به ضرب و شتم دانشجویان برگزار کننده پرداختند و آقای دکتر یزدی را به نقطه نامعلومی انتقال دادند. پس از آن در ساعت ۱۰ صبح جناب آقای دکتر پیمان با کمک و حمایت دانشجویان در مسجد دانشگاه حاضر شدند و علی رغم قطع برق و سیستم صوتی شروع به ایراد سخنرانی کردند لیکن دقایقی بعد همین غوغا سالارهای قبلی و همدستانشان با برهم زدن نظم مسجد و ایجاد تشنج به دکتر پیمان و اطرافیان ایشان حمله ور شدند و پس از واژگون نمودن تریبون سخنرانی و ضرب و شتم دانشجویان با کمک حراست دانشگاه آقای دکتر پیمان و تعدادی از دانشجویان را دستگیر و به نقطه نامعلومی بردند... این اعلامیه در انتها متذکر می شود که دانشجویان با شعارهای «آزادی حفاظتت می کنیم»، «دانشجوی آزاده آزاد باید گردد» نسبت به عملکرد نیروهای انتظامی و چماق داران رژیم «ولایت فقیه» دست به اعتراض زدند. و خواستار رسیدگی به عملکرد نیروهای انتظامی گردیدند.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه از دروغ های سردار سازندگی تا ...

۱۰۰-مین روز حکومت دولت جدید به مردم ارائه داد ضمن تأیید وخیم بودن وضع اقتصادی کشور از جمله گفت: «دولت که تقریباً در نیمه سال مسؤلیت گرفت اولاً با عدم تحقق درآمدها روبرو است و ثانیاً با ۸۵۱ میلیارد تومان کسری بودجه مواجه است... مشکلات فعلی ریشه در گذشته دارد و از مسؤولین ذی ربط خواسته ام بیایند و به مردم توضیح بدهند که مسایل چیست... بیش از ۱۱ میلیارد تومان نقدینگی در جامعه وجود دارد که بخش عمده ای از اینها صرف کارهای بی حساب می شود...» (روزنامه سلام ۲۸ آبان ماه ۱۳۷۶). همچنین بر اساس گزارش های رسانه های گروهی دولت جدید بودجه سال آینده را روز یکشنبه ۹ آذرماه به مجلس تقدیم خواهد کرد. بی شک بودجه جدید دولت نمی تواند بدون در نظر گرفتن واقعیات موجود اقتصادی کشور تهیه و تنظیم گردد. برای روشن تر شدن این واقعیات ارزیابی کوتاهی از شرایط اقتصادی کشور قبل از روی کار آمدن دولت جدید ضرور است.

دولت رفسنجانی در مقاطع پایانی خود با بحران همه جانبه اقتصادی - مالی روبرو گردید و در راستای مهار بحران فزاینده و پیش گیری از انفجار اجتماعی دست به یک سلسله اقدامات پیش گیرانه به منظور ایجاد محمل های ضرور با هدف تسهیل در امر اجرای سیاست ضد ملی «تعدیل اقتصادی» زد، این اقدامات که به تبلیغات حکومتی با انواع جملات فریبنده آن را در جهت «مهارتورم»، «ثبات قیمت ها»، «رشد تولید ناخالص ملی»، «افزایش صادرات غیر نفتی»، «افزایش سهم صنعت در درآمد ملی» و غیره ارائه می شدند، مجموعه تدابیری بودند که رژیم برای حفظ موقعیت خود و فایز آمدن بر نارضایتی اجتماعی اجباراً نیازمند اعلام آن ها بود. این واقعیت را محسن نوربخش آشکارا چنین بیان کرد: «ما این سیاست ها را در واقع در ادامه همان سیاست های کلی می دانیم که بحث تعدیل اقتصادی می باشد و این سیاست ها را هم ابزاری می دانیم برای کنترل کردن وضعیت و خنثی کردن آثار نامطلوب اقتصادی که در حال بروز بود، تا از آن شرایط عبور کنیم و مجدداً در شرایط مطلوب، همان برنامه ها ادامه پیدا کند...»!

مهمترین شاخص های عملکرد رژیم در مسایل اقتصادی در سال گذشته عبارتند از صنعت نفت، تورم، ورشکستگی مالی و سیستم بانکی، در هر یک از این زمینه ها کارنامه جمهوری اسلامی جز شکست چیز دیگری در بر ندارد. اقتصاد تک محصولی کشور و وابستگی کامل به در آمد حاصل از فروش نفت، بدون پدید آمدن کوچکترین محمل و پیش زمینه ای برای گسترش صادرات غیر نفتی به ویژه در صنعت و کشاورزی، ادامه یافت و حتی در زمینه تولید و صدور نفت نیز دولت با گرفتاری های جدی روبرو بود. محسن یحییوی یکی از اعضای پر نفوذ هیات مدیره شرکت ملی نفت ایران به صراحت اعتراف نمود که «ایران در طول سال ۱۹۹۶ میلادی روزانه ۸۰ هزار بشکه کمتر از سهمیه خود در اوپک نفت تولید کرده است. وی یادآور شد در صورت عدم تخصیص اعتبارات لازم و در درجه اول بودجه کافی در سال آینده میلادی کاهش استخراج و تولید نفت به روزانه ۱۱۰ هزار بشکه کمتر از سقف اوپک خواهد رسید. در این زمینه کارشناسان داخلی و خارجی، هشدار داده اند که ادامه بحران در صنعت نفت و گاز منجر به آن می شود که ایران تا سال ۲۰۰۵ اجباراً نفت از خارج وارد خواهد کرد.

جالب اینجا است که در همین رابطه، رهبران رژیم «ولایت فقیه» از ابتدای سال گذشته، تبلیغات دروغین پیرامون افزایش در آمد ارزی از افزایش قیمت نفت به راه انداختند. ارزیابی رژیم این بود که بازار جهانی نفت و سیر صعودی قیمت ها آن چنان خواهد بود که در آمد ارزی بیش از پیش بینی در برنامه خواهد بود. این ارزیابی خیلی زود به یاس بدل شد. قیمت نفت در بازار جهانی سیر صعودی نپیمود. طبق آخرین خبر انتشار یافته، از آغاز ژانویه سال ۱۹۹۷ قیمت نفت خام در بازار جهانی ۲۰ درصد پایین آمده است.

دخالت اوضاع و عملکرد مخرب رژیم «ولایت فقیه» در آنجا بیشتر آشکار می شود که این بحران خطرناک در صنعت نفت و گاز و کاهش درآمد حاصل از آن را با شرایط فاجعه بار صادرات غیر نفتی در برابر هم قرار دهد. از همان

نخستین روزهای سال گذشته، «سردار سازندگی» و «دولت خدمت گزار»، «تبلیغات کر کننده ای در باره ایجاد امکانات ضرور برای گسترش صادرات غیر نفتی به پا کردند. روزی نبود که مطبوعات مجاز از دستاوردهای «دوران سازندگی» در زمینه کاهش اتکا به نفت و افزایش صادرات غیر نفتی مطلب و گزارشی منتشر نمانند. اما واقعیت نشان می دهد همه آن هیاهوها صرفاً دروغ محض بوده اند

روزنامه کیهان چاپ تهران به تاریخ ۲ بهمن ۱۳۷۵ از قول معاون رئیس اتاق بازرگانی تهران نوشت: «ظرف ۹ ماهه سال جاری بالغ بر ۲ میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار کالای غیر نفتی صادر شده است، رقم فوق نسبت به مدت مشابه سال ۱۳۷۴ از نظر وزن ۲ درصد و از نظر ارزش ۳/۸ درصد کاهش نشان می دهد. قبل از این، وهاجی رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی نیز در جلسه ستاد پشتیبانی و تنظیم بازار اعلام کرده بود که: «وضعیت صادرات غیر نفتی بسیار نامطلوب است و با کاهش روبرو بوده ایم...». در این میان وضعیت صنعت بعنوان مهم ترین عامل پیشرفت کشور اسفناک است. کلیه اقلام صادرات صنعتی افت داشته اند. کمبود ارز، عدم تخصیص اعتبارات لازم، کمبود نقدینگی، استهلاک ماشین آلات، فرسودگی کارخانجات، کمبود مواد اولیه و قطعات، مشکل حل نشده صنعت مهن ما و دلیل افت و رکود آن به شمار می آیند.

بر پایه گزارش روزنامه ایران چاپ تهران به تاریخ یکشنبه ۸ مهر ماه ۱۳۷۵، محمد رضا نعمت زاده وزیر صنایع تأکید کرده است که: «اگر نقدینگی واحدهای تولیدی تامین نشود، تولید کاهش می یابد و تورم افزایش می یابد. «قبل از این وزیر صنایع طی دیداری از شهر سواه اعلام کرده بود که: «نبود کار و تولید مشکل همده اقتصاد کشور است.»

واقعیت این است که سهم صنعت در تولید ناخالص ملی نه تنها افزایش نیافته است، بلکه عمدتاً روند نزولی را طی کرده است. نعمت زاده وزیر سابق صنایع جمهوری اسلامی در گردهمایی «طراحی صنعتی کشور» که گزارش آن در کیهان ۱۰ دی ماه ۱۳۷۵ انتشار یافت متذکر شد: «هم اکنون سهم صنعت در تولید ناخالص ملی کمتر از ۱۷ درصد است... اندیشه جایگزین کردن صادرات غیر نفتی به جای صادرات فرآورده های نفتی، تنها زمانی به واقعیت می رسد که تولیدات صنعتی سهم خود را در مجموعه تولید ملی کشور به ۷۰ درصد برساند...»

این اعتراف آشکار می سازد که تمامی تبلیغات «سردار سازندگی» و نیز سخنان مشعشع ولی فقیه در زمینه رشد صادرات غیر نفتی تا چه حد، بی پایه و عاری از حس مسؤولیت می باشد. برای پی بردن به ژرفای فاجعه در صنعت ایران آخرین گزارش منتشر شده در روزنامه کیهان چاپ تهران در باره صنعت بسیار افشاگرانه است، کیهان به تاریخ ۲۵ اسفند ماه ۱۳۷۵ گزارش می دهد: «مدیر عامل شرکت لوازم خانگی پارس (این مرکز تولیدی از عمده ترین مراکز تولیدی در زمینه لوازم خانگی در ایران است) می گوید: برای سال ۱۳۷۶، ۳/۶ میلیون دلار ارز به این واحد تولیدی اختصاص داده شده است، روند افزایش قیمت لوازم یدکی قطعات و مواد اولیه ما را با مشکل روبرو ساخته است...». در بخش دیگری از این گزارش آمده است، «مدیر عامل کارخانه سپهرالکترونیک تذکر می دهد، وزارت صنایع ۵ میلیون دلار به این واحد تخصیص داده است که بسیار کم است به خاطر کمبود ارز ما هیچ گاه برنامه ریزی درستی برای تولید نداشته ایم و این امر باعث شده به ظرفیت اسمی نرسیم، کمبود مواد اولیه و ارز دشواری جدی ما است...». در همین رابطه روزنامه رسالت در سر مقاله پنجم دی ماه خود می نویسد: «معاونت توسعه وزارت صنایع می گوید، تنها ۲۰ درصد از منابع مالی ناشی از صادرات نفت به بخش مولد صنعت اختصاص داده می شود که تنها بخش اندکی از آن به مصرف سرمایه گذاری ها می رسد... برای مسؤولین و دست اندرکاران ذریع، تخصیص ارز یا ریال برای خرید مواد اولیه تولید پفک نمکی به همان اندازه اهمیت دارد که خرید تجهیزات مورد نیاز طرح های زیربنایی و استراتژیک... سهم سرمایه گذاری ها به تولید ناخالص داخلی به قیمت

ادامه از دروغ های سردار سازندگی تا

جاری برابر ۲۱ درصد و براساس قیمت ثابت تنها ۱۶/۵ درصد است. « آمارهای منتشره در زمینه صنعت آن چنان گویا است که لزومی به تفسیر و تحلیل پیچیده ندارد. رژیم «ولایت فقیه» بزرگترین دستاورد خود را در سال گذشته به دست آوردن تراز مثبت تجارت خارجی قلمداد کرد. این سیاست که محصول کنترل شدید واردات، آن هم به اجبار و ناخواسته بوده، کاملاً در خدمت دلالتان و واسطه ها قرار گرفت. مواد اولیه کارخانجات، قطعات مورد احتیاج صنایع وارد نشد اما هزارتن و صدها هزار دلار کالای لوکس و مصرفی وارد کشور گردید و دلالتان و تجار سودهای نجومی به جیب زدند.

یکی دیگر از موارد مربوط به عملکرد اقتصادی رژیم عدم موفقیت در مهار تورم و رشد قیمت ها بود. در سال گذشته رژیم قادر نشد به ثبات مالی - پولی دست یابد. حجم نقدینگی بخش خصوصی بنا به آمار رسمی و منتشره به بیش از ۴۵۵۰۰ میلیارد ریال رسید.

آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی حاکی است که هر ماه، شاخص بهای کالاها و خدمات شهری افزایش داشته است. آمار و ارقام نشان می دهد از فاصله مهر ماه تا بهمن ماه سال پیشین بر پایه برآورد منتشره از سوی اداره کل بررسی های بانک مرکزی شاخص بهای کالاها و خدمات شهری هر ماه بطور میانگین تا ۵ درصد افزایش داشته است. طبق آمار در دی ماه سال ۱۳۷۵ شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ۱۸/۷ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش داشته است. در این زمینه روزنامه اخبار چاپ تهران به صراحت نوشت: «اگر ادعا های بانک مرکزی مبنی بر کاهش آهنگ تورم واقعی باشد، قیمت کالا در سال گذشته می بایست ۵/۵ درصد ترقی می کردند، نه ۵۰ درصد.»

ترقی بیش از ۵۰ درصدی قیمت ها آن واقعیتی است که در سال گذشته جمهوری اسلامی و «دولت سردار سازندگی» کوشیدند آن را با تبلیغات دروغین پنهان سازند.

همچنین بر اساس برآوردی که از سوی کمیسیون امور اداری و استخدامی مجلس شورای اسلامی انتشار یافته است سیاست های اعمال شده اثرات بسیار نامطلوبی بر وضعیت اقتصادی اکثریت عظیم خانواده های ایرانی داشته است. بر اساس این گزارش: «در حالی که هزینه متعارف زندگی برای خانوارهای شهر نشین ایرانی ۶۴ هزار تومان است، میانگین حقوق کارمندان در سال ۱۳۷۵ نزدیک به ۳۳ هزار تومان است، ۷۰ درصد کارمندان دولت زیر خط فقر زندگی می کنند.»

در مورد زندگی طبقه کارگر، آمار دولتی از یک فاجعه تلخ حکایت می کند. حداقل دستمزد کارگران حتی به خط فقر قراردادی خود رژیم هم نمی رسد. طی گزارشی که در اغلب روزنامه های مجاز رژیم به چاپ رسید، رئیس هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران یادآور گردید: «سهم بخش کارگری از ۷۲ درصد درآمد کشور فقط ۱۲/۳ درصد است... حداقل دستمزد روزانه کارگران در سال ۵۷ - ۲۱۰ ریال بود، چنانچه بخواهیم حداقل مزد روزانه کارگران در ابتدای سال ۷۵ را برآورد کنیم، آن هم براساس کاهش ۱۶۰ درصدی ارزش پول، حداقل مزد روزانه باید ۳۳۶۰۰ ریال باشد.» این آمار دولتی در حالی منتشر می شود که رئیس جمهور رژیم فقها، هاشمی رفسنجانی، طی یک مصاحبه اعلام کرد: «در سال ۱۳۷۵ حدود ۲۲ درصد تورم در جامعه وجود دارد و حقوق کارگران و کارمندان بیش از این رشد تورم افزایش داشته است.»

بر پایه گزارشات انتشار یافته، علیرغم اظهارات مقامات رژیم، از جمله وزیر بازرگانی مبنی بر کاهش ۲۰ تا ۳۰ درصدی قیمت ها، قدرت خرید مردم بسیار پایین است. در آستانه سال نو، در عید نوروز اغلب اجناس مورد نیاز مردم در شب عید نوروز از ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش پیدا کرد. در کنار این مهم، مسئله بازپرداخت بدهی ها به معضلی جدی بدل گردیده است. واقعیت این است که رژیم «ولایت فقیه» به پیروی از فرامین صندوق بین المللی پول، کلیه توانایی های ملی اقتصادی بهمن ماه را در راه بازپرداخت

بدهی های خارجی به امپریالیسم بسیج کرده است. درست به دلیل همین ویژگی است که در سال گذشته صندوق بین المللی پول طی گزارشی از شرایط اقتصادی جمهوری اسلامی آن را رضایت بخش توصیف کرد. در این مورد محسن نوربخش رئیس کل بانک مرکزی در گفتگویی با روزنامه اطلاعات می گوید: «یکی از مهمترین دستاوردهای سیستم بانکی در طی سال های اخیر بهبود وضعیت تراز پرداخت های کشور بوده است... سهم بدهی های کوتاه مدت از روند نزولی برخوردار گردید بطوری که سهم آن در کل بدهی ها به رقم ۲۱ درصد در پایان سال ۱۳۷۴ رسید. سهم بدهی های میان مدت و بلند مدت حدود ۷۹ درصد را به خود اختصاص داد و این امر گویای بهبود وضعیت اعتباری کشورمان در سطح بازارهای بین المللی است...»

چنین اظهاراتی به روشنی نشان می دهد، رژیم ولایت فقیه به فرمان بانک جهانی و صندوق بین المللی پول میهن ما را به چه پرتگاه هولناکی هدایت می کند. در این زمینه کوشش برای تسریع روند خصوصی سازی، به عنوان جزء بسیار مهم «سیاست تعدیل اقتصادی» دامنه وسیع یافت. در ماه های پایانی سال ۱۳۷۵ خورشیدی اعلام شد، سرمایه گذاری و دخالت بخش خصوصی در صنعت گاز و برق بلامانع گردیده. صنعت هوانوردی به بخش خصوصی واگذار می شود. صنایع کلیدی به منظور رشد تولید در اختیار بخش خصوصی قرار خواهد گرفت و غیره، در این مورد نوربخش خاطر نشان کرده است: «با توجه به جهت گیری برنامه دولت در زمینه خصوصی سازی، تلاش دولت بر آن است که پروژه های مهم و بعضاً زیر بنایی را که بخش خصوصی قادر به انجام آن است به این بخش واگذار نماید...». بر این مجموعه تصمیم اخیر دولت جدید را مبنی بر آزاد کردن دست سرمایه گذاران خارجی برای سرمایه گذاری در ایران از ۱ تا ۹۹ درصد با معافیت های مالیاتی ۶ تا ۱۲ ساله که یادآور شرایط اسارتبار حاکمیت سرمایه خارجی در ایران پیش از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ است نیز باید افزود.

بعلاوه، در مورد عملکرد رژیم در عرصه اقتصاد باید به مسئله فساد مالی گسترده و ژرف در رژیم ولایت فقیه اشاره داشت، سال گذشته در زمینه فساد مالی پرونده های بسیاری تشکیل شد. علیرضارخشنده رو، رئیس دیوان محاسبات اداری موارد متعدد رشوه، اختلاس، دزدی و غارت ثروت ملی را بازگو کرد. یکی از آخرین نمونه های فساد مالی گسترده، سخنان افشاگرانه روح الله حسینیان از چهره های پشت پرده رژیم و عضو موسس جمعیت دفاع از ارزش های انقلاب اسلامی است.

وی طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت: «طبق آماري که از بانک ها به دست آورده این یک سوم از پس اندازهای جامعه در بانک ها به کمتر از ۱۰۰۰ خانواده تعلق دارد و تمام این افراد پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی پولدار شده اند... به تجارت خارجی جمهوری اسلامی نگاه کنید، سوده های یادآورده از تجارت خارجی را فقط عده معدودی به دست می آورند. خوب است به فروش بعضی از کارخانه های دولتی توجه کنیم، این کارخانه ها به خانواده و نزدیکان دست اندرکاران جمهوری اسلامی فروخته شده است...!» به عبارت دقیق و به بیان روشن رژیم ولایت فقیه چنان غرق فساد مالی و جیاول ثروت همگانی و ملی است که لقب حکومت هزار فامیل برازنده آن است. گفته های این چهره پشت پرده رژیم که وابسته به دستگاه های امنیتی آن نیز هست به خوبی افشاگرانه است!

کوتاه سخن! بودجه دولت جدید اگر بر اساس و مبنای فکری بودجه های دولت رفسنجانی و در اساس در چارچوب ادامه سیاست های خانمان برانداز کنونی در زمینه تعدیل اقتصادی بنا گردد، نه تنها نمی تواند گامی در راه تغییر شرایط هولناک اقتصادی کشور بردارد بلکه کشور را بیش از پیش به سمت بحران همه جانبه اقتصادی - اجتماعی سوق خواهد داد.

ادامه شعله های حریق که پایه های رژیم ...

«ورشکستگان سیاسی، ضربت خوردگان از انقلاب» و «ضربه خورده ها از دادگاه های انقلاب اسلامی» را باعث و بانی حوادث کنونی معرفی کرد و رفسنجانی در سخنانی که بیش از هر چیز از مواضع ضعیف و تدافعی حاکمیت حکایت داشت در این زمینه گفت: «ما ریشه های اصلی این مسایل را در خارج از کشور و در استخبار جهانی و ضد انقلاب می بینیم و بخش دوم را تفکرات خاصی، همانند تفکرات ملی گرایان می دانیم...». رفسنجانی در ادامه همین سخنان ضمن انکار توطئه سه نفره خامنه ای - رفسنجانی - احمد خمینی برای تقسیم قدرت پس از مرگ خمینی می گوید: «آیت الله خامنه ای در این راه نه تنها برای خود یک قدم برنداشتند و نه تنها کوچکترین علاقه ای به این مسند نداشتند، بلکه در بسیاری از موارد با این امر مخالفت می کردند و اینکه من، ایشان و مرحوم حاج سید احمد آقا این طور برنامه ریزی کرده ایم، درست نیست...» (نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی ۷ آذرماه ۱۳۷۶).

و اما زمینه های واقعی و ریشه های اصلی بحران رژیم از کجا ناشی می شود. حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی کشور بود که سال ها پیش با درک و تحلیل دقیق از شرایط کشور به این نتیجه مشخص رسید که حاکمیت استوار بر اصل «ولایت فقیه» مهمترین سد راه هرگونه تحول پایدار و دموکراتیک به سمت آزادی، عدالت اجتماعی و پیشرفت جامعه است. حزب ما با تأکید بر نقش ویژه روحانیت حاکم در ایجاد چنین شرایط فاجعه باری در ایران همچنین تأکید کرد که با تشدید بحران همه جانبه اقتصادی - اجتماعی طبیعی است که هر روز اقشار و بخش های وسیع تری از جامعه با درک پایه های اصلی مشکلات کنونی به عرصه مبارزه با رژیم «ولایت فقیه» کشانده شوند و در مقابل استبداد بایستند.

انتخابات دوم خرداد ماه یکی از مهمترین آزمون های درستی چنین ارزیابی از شرایط مشخص کشور بود. انبوه توده های میلیونی خلق علی رغم همه شرایط تحمیلی و غیر دموکراتیک اعمال شده از سوی رژیم به میدان مبارزه آمدند و یک صدا فریاد مخالفت خود را با ادامه وضع موجود اعلام کردند. در حالی که در جریان انتخابات نمایندگان رژیم «ولایت فقیه» و بخش عمده روحانیت حاکم از ضرورت «هرچه بیشتر اسلامی» شدن کشور سخن می گفتند و بر نقش «ویژه روحانیت» در اداره امور تأکید می کردند و خواهان اسلامی شدن همه عرصه ها تا حد «ذوب شدن در ولایت بودند»، بیش از ۲۰ میلیونی ایرانی در مقابل این خواست ها به شعارهای آزادی، استقرار جامعه مدنی و حاکمیت قانون رأی دادند و مشت محکمی بر دهان مجیزگویان «ولایت فقیه» زدند. آنچه امروز در جامعه می گذرد نیز در واقع ادامه همین مبارزه است که سران رژیم را سخت به هراس انداخته است. امروز توده ها به وضوح می بینند که سه ماه پس از برگزاری انتخابات نه تنها هیچ یک از قول ها در زمینه استقرار آزادی ها و جامعه مدنی تحقق نیافته است، بلکه در عمل باز گروه های چماق دار رژیم اند که آزادی خواهان، دانشجویان مبارز و شخصیت های سیاسی کشور را هدف آزار و سرکوب خود قرار داده اند. امروز مردم از نزدیک شاهد هستند که تمامی یورش ها به آزادی، سرکوب حرکت های دانشجویی و ترور شخصیت های سیاسی - مذهبی دگراندیش همه به دستور «ولی فقیه»، هواداران پر و پا قرص رژیم استبدادی، وزیر پوشش دفاع از «تقدس ولایت» به عنوان اساس حکومت جمهوری اسلامی انجام می گیرد. در چنین شرایطی است که مردم و همچنین نیروهای سیاسی کشور بیش از پیش به اتخاذ موضع در این زمینه سوق داده می شوند و بدین ترتیب است که صف مدافعان آزادی از صف مدافعان و منادیان استبداد و تاریک اندیشی هر چه بیشتر فاصله میگیرد.

«ولی فقیه» و مدافعان «ولایت» در رژیم جمهوری اسلامی به روشنی اعلام کرده اند که خواهان استقرار «جامعه ولایی» در مقابل جامعه «مدنی» هستند و حاضر نیستند کوچکترین گامی برای تغییر شرایط بردارند. تجربه تاریخی می آموزد که رژیم های دیکتاتوری تنها با فشار اکثریت توده های مردم است که حاضر به عقب نشینی و قبول خواست توده ها می شوند. تسلیم شدن در مقابل «ولایت فقیه» چیزی جز تسلیم در مقابل استبداد، ارتجاع و واپسگرایی نیست. توده های عظیم میلیونی بی صبرانه منتظر تحقق قول های انتخاباتی هستند ولی به اعتقاد ما تنها راه مطمئن تحقق این آرمان های شریف و مردمی مبارزه واحد و متحد توده ها در این راه است. سران رژیم با درک ابعاد این خطر است که تلاش می کنند توده ها را از مبارزه دلسرد کرده و با تشدید جو اختناق و سرکوب، جنبش را به انفعال و خانه نشینی بکشانند.

امروز میزان و ملاک شناسایی نیروهای سیاسی گوناگون نه در شعارهای مشعش دفاع از آزادی که در گام های عملی دفاع و حمایت از جنبش عظیم توده ای نهفته است که خواستش پایان استبداد و استقرار آزادی، جامعه مدنی و حاکمیت قانون در ایران است.

ادامه بزرگداشت انقلاب اکبر ...

ایجاد کرده است مشورت نموده است؟» زیوگائف گفت: «انقلاب ها هنگامی به وقوع می پیوندند که مردم از تحمل ظالمان و استثمار کنندگان سرباز می زنند. یکبار دیگر روسیه در یک دوران دشواری ها فرورفته است که طاقت مردم به آزمایش گرفته شده است.»

تظاهرات مسکو همچنین از سوی ژنرال لئو روخلین، رهبر کمیته دفاع دوما و رهبر جنبش حمایت از ارتش حمایت شده بود. روخلین در سخنرانی خود از مردم خواست که «رژیم منفور را سرنگون کنند و هر چه زودتر بهتر».

شرکت کنندگان به احترام دهها میلیون مردم شوروی که در جنگ علیه فاشیسم کشته شدند یک دقیقه سکوت کردند. ژنرال روخلین اظهار داشت که رژیم بلتسین در رابطه با انهدام صنایع روسیه روی نازی ها را سفید کرده است: «در طول جنگ دوم جهانی آلمان ها بیش از ۲۵ درصد صنایع ما را نتوانستند نابود کنند» ولی در طی چند سال گذشته ۷۰ تا ۹۰ درصد صنایع روسیه از بین رفته است. تظاهر کنندگان از رژه در مقابل آرامگاه لنین در میدان سرخ ممنوع شده بودند، ولی میدان لوبیانکا در مرکز مسکو به دریایی از پرچم های سرخ با پلاکاردها و پرچم ها بدل گردید که در آن شرکت کنندگان با احساساتی گرم به سخنرانی ضبط شده لنین در نواری با صدای خود او گوش دادند.

در پایتخت های دیگر جمهوری های سابق اتحاد شوروی نیز کمونیست ها تظاهرات مشابهی را در بزرگداشت انقلاب اکبر برگزار کردند.

*- در مینسک، مخیلوف و دیگر شهرهای بلاروس تظاهر کنندگان با حمل تصاویر لنین و رهبران انقلاب اکبر و نیز الکساندر لوکاشکوف، رئیس جمهور فعلی کشور، انقلاب اکبر را جشن گرفتند. در مراسم ویژه ای در ۱۵ آبان ماه لوکاشنکو دو ایستگاه مترو را در مینسک افتتاح کرد و ضمن سخنانی گفت که «درس اصلی» انقلاب اکبر این بود که مقامات همیشه باید «طوری عمل کنند که توده ها نیاز به انقلاب نداشته باشند».

*- در مولداویا - رفیق ولادیمیر ورونین، رهبر حزب کمونیست مولداوا در مراسم ۸۰ - مین سالگرد انقلاب اکبر گفت که حزب او طرفدار «احیاء فدراسیون جمهوری های مقتدر می باشد». ورونین گفت که «امپریالیسم جهانی به سقوط اتحاد شوروی دامن زد». او روسای جمهور وقت روسیه، اوکراین و بلاروس را خیانتکارانی دانست که موافقتنامه پایان اتحاد شوروی را امضاء کردند.

* * * - در پاریس پایتخت فرانسه تعداد شرکت کنندگان مراسم بزرگداشت ۸۰ - مین سالگرد انقلاب اکبر آنقدر زیاد و غیر منتظره بود که تئاتر عظیم محل برگزاری جشن و گردهمایی بیش از ظرفیت خود جمعیت در خود جا داده بود. بسیاری از شرکت کنندگان مجبور شدند که سخنرانی ها را در راه بله ها و سالن ورودی تئاتر بشنوند. مراسم که توسط کمیته برگزار کننده ۸۰ - مین سالگرد انقلاب اکبر سازمان داده شده بود با سخنرانی رفیق هنری آگ مبارز جنبش آزادیبخش الجزایر آغاز گردید. در سالن تئاتر که با پرچم های سرخ، تصاویر مارکس، انگلس و لنین و همچنین بوسترهای روسپیور و مارات تزین شده بود، سخنرانان ارتباط و اهمیت انقلاب اکبر، کمون پاریس و مارکسیسم - لنینیسم را با مشکلات و مسایل جهان امروز مورد توجه قرار دادند. تعدادی از نمایندگان احزاب برادر از جمله رفیق ایرما تلمان دختر رهبر فقید حزب کمونیست آلمان، ارنست تلمان، که توسط نازی ها در سال ۱۹۴۴ در جریان جنگ جهانی دوم به قتل رسید در جشن شرکت داشتند. مراسم بزرگداشت انقلاب اکبر در ۸۰ - مین سالگرد آن در صدها شهر و کشور جهان برگزار گردید. عنصر مشترک همه این جشن ها و گردهمایی ها اعتبار پابرجای مارکسیسم - لنینیسم، رسالت احزاب کمونیست در مبارزه در راه سوسیالیسم و همبستگی رزمجویانه انترناسیونالیستی بود.



نفت، نفت و باز هم نفت!

بورس نمستوف، معاون اول نخست وزیر روسیه که وزیر سوخت و انرژی این کشور نیز می باشد در ۲۲ آبان ماه اظهار داشت: روسیه تلاش خواهد کرد که خط لوله اصلی نفت دریای خزر آذربایجان از یک مسیر شمالی به بندر نوروسیسک در کنار دریای سیاه برده شود. در همین روز سرگنی کی رینکو، معاون وزیر سوخت و انرژی گفت که روسیه پیشنهاد می کند شرکت بین المللی نفت آذربایجان (AIOC) که بر بهره برداری سه میدان نفتی آذربایجان در دریای خزر نظارت می کند از طریق مناقصه مسیر خط لوله نفت برای صدور نفت آذربایجان را تعیین کند. او متذکر شد که مناقصه به نفع روسیه خواهد بود، چرا که مسیر شمالی اقتصادی ترین مسیر خواهد بود. AIOC گفته است که انتخاب مسیر بر پایه فاکتورهای اقتصادی محض خواهد بود و نه ژئوپلیتیک.

• نمستوف در ۲۲ آبان ماه به خبرنگارها گفت که زمان گفتگوهای جدید برای حل بن بست مساله و موقعیت بین المللی دریای خزر فرارسیده است. نمستوف به طور تلویحی اشاره کرد که روسیه ممکن است اصرار خود را به اینکه توسعه و بهره برداری منابع هیدروکربوری دریای خزر در هر پنج کشور ساحلی به طور مشترک انجام شود را کنار بگذارد. او در اظهاراتی در باکو در ۲۱ آبان ماه گفته بود که دریای خزر می تواند بر اساس خطوط فاصلی که توسط وزارت نفت اتحاد شوروی سابق تعیین شده بود به بخش های ملی تحت حاکمیت کشورهای پنج گانه تقسیم شود.

• براساس گزارش آژانس خبری فرانسه، نماینده دائمی ایران در سازمان ملل در نامه ای به دبیر کل سازمان ملل، کوفی عنان، به «بهره برداری یکجانبه» توسط آذربایجان از منابع نفتی دریای خزر اعتراض کرده است. و عمل آذربایجان ناقض توافق های بین المللی است و آمادگی ایران را برای اقدام عملی به منظور حفاظت مناقض در دریای خزر مورد تاکید قرار داد.

• مرتضی حاجی، وزیر تعاون ایران، که مسؤول کمیسیون آذربایجان و ایران در مورد همکاری های اقتصادی است در ۲۷ آبان ماه به حیدر علی اوف، رئیس جمهور آذربایجان، گفت که تهران «اهمیت ویژه ای» برای روابط دو جانبه با آذربایجان قایل است. به دنبال مذاکرات حاجی با مقامات آذربایجان، توافق شد که تلویزیون های دو کشور روزانه یک ساعت برنامه های طرف دیگر را پخش کنند. پخش برنامه های ایران از تلویزیون آذربایجان در اردیبهشت ماه متوقف گردیده بود و علت آن را پخش فقط تبلیغات از طرف ایران عنوان کردند.

• حسن حسن اوف، وزیر خارجه آذربایجان، در ۲۷ آبان ماه در دمشق با همتای سوری خود فاروق الشرع و نیز رئیس جمهور حافظ اسد ملاقات نمود. موضوع های مورد بحث در گفتگوهای دو کشور شامل گسترش روابط متقابل از جمله حمل و نقل هوایی بین دو کشور و اوضاع منطقه بود. طرفین توجه ویژه ای به

دریای خزر و آینده آن نشان دادند.

در بدر به دنبال میانجی بی طرف!!

براساس اظهارات مقامات رسمی وزارت خارجه ترکمنستان در ۲۸ آبان ماه این کشور درخواست رسمی ای از سازمان ملل برای حل و فصل اختلاف مابین این کشور و آذربایجان بر سر مالکیت میدان نفتی کپیز (سردار) در منطقه دریای خزر یاری خواسته است. این مقامات اظهار داشتند که کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل «با تقاضا» به درخواست ترکمنستان بر خورد کرده است. آنها اضافه کردند که این «بی معنی» خواهد بود که انتظار حکم عادلانه و عینی ای را در مورد این اختلاف از کشورهای ساحلی دریای خزر داشته باشیم.

در ۲۷ آبان ماه مطبوعات روسیه از قول واگیت آلکیروف، صدر کمپانی عظیم لوک اویل، گزارش دادند که مشاجره کپیز از طریق میانجی گری دولت روسیه حل خواهد شد. فدریکونیا، وزیر انرژی آمریکا در ملاقات خود با سفر مراد نیازوف، رئیس جمهور ترکمنستان، تمایل کشور خود را به کمک به حل اختلاف بین آذربایجان و ترکمنستان بر سر میدان نفتی کپیز اعلام کرد.

امپریالیسم نفت خوار انگلیسی

بریتیش پترولیوم، کمپانی نفت انگلیسی در ۲۷ آبان ماه موافقتنامه ای را در مورد خرید ۱۰ درصد سهام سیدانکو که بزرگ ترین کمپانی نفت روسیه است به امضاء رساند. بریتیش پترولیوم ۵۷۱ میلیون دلار به سهامدار عمده سیدانکو پرداخت کرد. کمپانی انگلیسی همچنین ۴۵ درصد از ۶۰ درصد سهام سیدانکو در «نفت روسیه» را که جواز توسعه میدان گازی کوبشینکو در ایرکوتسک را دارد خریداری نمود. این میدان گازی یکی از بزرگ ترین منابع گازی در روسیه محسوب می شود که تخمین زده می شود حدود ۱/۵ تریلیون متر مکعب ذخیره داشته باشد. بریتیش پترولیوم ۱۷۲ میلیون دلار در توسعه این منبع سرمایه گذاری می کند.

در مسافرت اخیر یلتسین به چین، مقامات رسمی دو کشور یادداشت رسمی ای را مبنی بر صدور گاز از میدان کوبشینکو به چین امضاء کردند. قرار است که چین بخشی از این گاز را به ژاپن و کره جنوبی صادر کند.

عقب نشینی تاکتیکی؟!

در تلاش برای سرپوش گذاردن به افشاح مالی ای که چندین وزیر کابینه دولت روسیه در آن دست داشتند، یلتسین عاقبت مجبور به برکنار کردن آناتولی چوبایس، وزیر مالیه از سمت خود شد. چوبایس مقام اصلی خود را به عنوان معاون اول نخست وزیر حفظ نمود. یلتسین در ابتدا پا برکنار کردن همه مسؤولان، به غیر از چوبایس، در ۲۳ آبان ماه، سعی در کنترل اوضاع نمود ولی عاقبت زیر فشار انتقادات اپوزیسیون در پارلمان مجبور به برکناری نزدیک ترین متحد خود و اقتصاددان طرفدار احیای سرمایه داری در روسیه گردید. بوریس یلتسین برای پوشاندن حقیقت عقب نشینی خود در مقابل فشار اپوزیسیون در ماه های اخیر، برکناری چوبایس را به عنوان یک رفرم اداری در دولت معرفی کرد. بر طبق پیشنهاد مصوبه از این پس معاون نخست وزیر نباید مسؤولیت اداره یک وزارتخانه مشخص را به عهده داشته باشد. بر این اساس باید منتظر برکناری بوریس نمستوف از مقام وزیر سوخت و انرژی بود.

گنادی سلزنیوف، سخنگوی کمونیست در دوما، اقدام یلتسین به برکناری چوبایس و برگماری زادورنوف، صدر کمیته بودجه دوما به جای او را «یک تصمیم خوب» دانست. اقدام یلتسین به برکناری وزرای

رسوا از یک نظر متوجه جلب حمایت اپوزیسیون از طرح بودجه ۱۹۹۸ است که به بن بست برخورده است. تصویب طرح بودجه از نظر جلب نظر مساعد سرمایه گذاران غربی حیاتی است. در ماه گذشته صندوق بین المللی پول عملاً پرداخت قسط های وام ۶ میلیارد یوندی به روسیه را متوقف نمود. دولت روسیه مدعی است که دنبال کردن جدی برنامه خصوصی سازی برای ۱۹۹۸ می تواند به از سرگیری پرداخت ها در اوایل سال مسیحی جدید منجر شود.

زلزله در اقتصاد سرمایه داری

گسترش بحران هفته های اخیر بازارهای مالی آسیای جنوب شرقی و اقتصادهای معروف به برهه های اقتصادی در هفته آخر آبان ماه سرمایه داری جهانی را به شدت لرزاند. به دنبال هنگ کنگ، تایلند و اندونزی این بار نوبت کره جنوبی و به بیانی ژاپن بود که بازارهای سهام خود را متزلزل ببینند. ارزش کره جنوبی در عرض یک هفته به یکی از بی ثبات ترین ارزشهای معتبر جهان تبدیل گردید. گسترش بحران بازارهای مالی آسیا به اقتصادهای قدرتمند ژاپن و کره جنوبی عملاً عدم توانایی کشورهای سرمایه داری جهانی را به کنترل عملکردهای بازارهای سهام که در عصر تکنولوژی مدرن بیش از پیش به هم متصل و وابسته هستند، به نمایش می گذارد تغییر وزیر مالیه کره جنوبی در ۲۷ آبان ماه و تصمیم این کشور به قبول شرایط صندوق بین المللی پول و درخواست کمک از IMF و همچنین ورشکست شدن یاماچیچی، یکی از بزرگ ترین موسسات مالی ژاپن با صد سال سابقه با بدهی بیش از ۱۵/۳ میلیارد دلار نشان دهنده ابعاد این بحران است. در رابطه با بحران گسترش یابنده اقتصادهای جنوب شرقی آسیا، مقامات مالی و اقتصادی ایالات متحده و کشورهای آسیای جنوب شرقی در مانیل در روزهای پایانی آبان ماه جلسه داشتند و تصمیم به مداخله صندوق بین المللی پول در مقابله با بحران گرفتند. اجلاس مانیل با ایجاد یک مکانیزم نظارت منطقه ای که قدرت تصمیم گیری های سیاسی فوری در رابطه با بحران های اقتصادی را خواهد داشت سعی به جلوگیری از تکرار چنین بحران هایی را دارند. کشورهای شرکت کننده، نقش صندوق بین المللی پول در ایجاد ثبات اقتصادی در منطقه را تاکید کردند. قرار است که تصمیم این اجلاس در گردهمایی کشورهای عضو پیمان ایک (پیمان همکاری های اقتصادی آسیا و اقیانوس آرام) که در نیمه اول آذرماه در وانگور کانادا برگزار خواهد شد، تصویب نماید.

برخی تحلیل گران اقتصادی اکنون به صراحت به ضعف ساختاری و ذاتی برهه های اقتصادی آسیا که به طور بی سابقه ای به صادرات وابسته اند، اشاره می نمایند. رشد سریع اقتصاد این کشورها بر پایه وام های سنگین از منابع خارجی صورت می گیرد و قیمت زمین در این کشورها سرسام آور است. در زمانیکه نرخ رشد بالا ممکن و نرخ برابری ارزی با ثبات است این اقتصادها می توانند بی مشکل عمل نمایند ولی به محض از بین رفتن شرایط مساعد، وام دهندگان ناظر کاهش ارزش وثیقه ها بوده و فروش دارایی ها و مستغلات توسط بدهکاران ورشکسته، ارزش این وثیقه ها را سریع تر کاهش می دهد. سرمایه خارجی سرعاً خارج می شود و با ضعیف شدن ارز، این اقتصادها در چنین شرایطی، عملاً با تحمیل شرایط هرگونه استقلال عملی غیر قابل جلوگیری می شود. صندوق بین المللی پول با استفاده از ضعف این اقتصادها در چنین شرایطی، عملاً با تحمیل شرایطی هرگونه استقلال عملی چنین اقتصادهایی را نابود می کند.

(زندگی نامه ای کوتاه از ژرژ مارشه - اقتباس از اومانیته)

بدرود رفیق ژرژ مارشه

رفیق ژرژ مارشه دبیر کل پیشین حزب کمونیست فرانسه در بامداد شانزدهم نوامبر ۱۹۹۷، بر اثر یک بیماری قلبی در سن ۷۷ سالگی درگذشت. تأثیر و بازتاب درگذشت مارشه در میان مردم عادی و در میان شخصیت ها و چهره های سیاسی کشور جایگاه و تأثیر رفیق مارشه را در حیات سیاسی فرانسه نشان می دهد. ژاک شیراک رییس جمهور فرانسه در پیامی که به این مناسبت ارسال کرد ضمن ابراز اندوه خود از فقدان مارشه احترام خود را به پایبندی مارشه به اصول و اعتقاداتش بیان کرد. لئونل ژوسپن نخست وزیر سوسیالیست فرانسه شخصاً در دفتر حزب کمونیست فرانسه حضور یافت و به هنگام امضای دفتر یادبود خطاب به خبرنگاران گفت: «من او را به عنوان یک انسان معتقد شناختم و لذا طبیعی است که امروز در اینجا حضور یابم و به او ادای احترام کنم و به همسر و خانواده او تسلیت بگویم. من در سال های طولانی فعالیت سیاسی با او دیدار مذاکره و گفتگو زیاد داشتم و پاره ای اوقات نیز با او درگیر جدال سیاسی بودم».

در مراسم تدفین رفیق مارشه بسیاری از شخصیت های برجسته سیاسی و مملکتی و هزاران نفر از مردم فرانسه حضور داشتند. رفیق مارشه در ۷ ژوئن ۱۹۲۰ متولد شد. پدرش معدنچی و خودش کارگر فلز کار بود. رفیق مارشه در سال ۱۹۴۷ به عضویت حزب کمونیست فرانسه درآمد و در کنگره سال ۱۹۵۶ به عضویت در کمیته مرکزی و در سال ۱۹۵۹ به عضویت در هیأت سیاسی و در سال ۱۹۷۲ به دبیرکلی حزب کمونیست فرانسه انتخاب شد و تا سال ۱۹۹۴ عهده دار این سمت بود. رفیق مارشه همچنین از ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷ عضو پارلمان فرانسه و از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ عضو پارلمان اروپا بود. در سال ۱۹۷۶ ژرژ مارشه در بیست و دومین کنگره حزب کمونیست فرانسه مبتکر جریان نوسازی در حزب و شکل دادن به برداشت استراتژیک حزب بود. مارشه در گزارش خود به این کنگره هرگونه «نمونه برداری» از کشورهای اردوگاه سوسیالیسم را نفی کرد. مارشه در کتاب خود به نام «صادقانه حرف بزنیم» که در سال ۱۹۷۷ منتشر شد از اختلاف جدی خود با حزب کمونیست اتحاد شوروی و تحدید آزادی در این کشور سخن گفت. وی

همچنین در کتاب دیگری بنام دموکراسی که در سال ۱۹۹۰ منتشر کرد در این باره نوشت: «تجربه اثبات کرده است که دگرگونی مالکیت و رهبری حکومت برای تحول جامعه ... به تنهایی کافی نیست. خطر این است که یک بوروکراسی را با یک بوروکراسی دیگر عوض کرد. به این خاطر است که دگرگونی مالکیت بدون آنکه در عین حال کوششی اساسی و بنیادین برای دگرگونسازی باورهای اجتماعی صورت گیرد نمی تواند موفق گردد...».

رفیق مارشه یک چهره شناخته شده در جنبش جهانی کارگری و کمونیستی بود که همواره در راه موفقیت و بسط آن مبارزه کرد. دفاع جانانه او از کوبای قهرمان از نمونه های جالب این پیکار و اعتقاد عمیق او به هستگی جهانی کارگران بود. یادش گرامی باد.

پیام تسلیت کمیته مرکزی حزب توده ایران به

حزب کمونیست فرانسه

رفقای گرامی

کمیته مرکزی حزب توده ایران درگذشت رفیق ژرژ مارشه دبیر کل سابق حزب کمونیست فرانسه را به کمیته مرکزی و تمامی اعضا و هواداران حزب کمونیست فرانسه تسلیت می گوید. رفیق مارشه حزب کمونیست فرانسه را در دوران طولانی پر فراز و نشیبی رهبری کرد. به ابتکار رفیق مارشه بود که حزب کمونیست فرانسه در سال های نخست دهه هفتاد در دولت ائتلاف ملی شرکت کرد. رفیق مارشه همه جا به عنوان یک رهبر برجسته جنبش کارگری و کمونیستی که عمیقاً به جنبش جهانی کارگری و همبستگی بین المللی معتقد و پایبند بود شناخته شد و در راه گسترش و بسط این جنبش از هیچ کوششی فروگذار نکرد.

حزب توده ایران ضمن تسلیت مجدد این ضایعه به تمامی رفقای فرانسوی باردیگر همبستگی رزمجویانه خود را با مبارزه حزب کمونیست فرانسه در راه صلح، پیشرفت و سوسیالیسم اعلام می کند.

با درودهای گرم کمیته مرکزی حزب توده ایران

بزرگداشت انقلاب اکتبر

صفوف انبوه تظاهر کنندگان در همه شهرهای عمده روسیه از مسکو و لنینگراد (سن پترزبورگ) و ولادی وستوک در هوای سرد و یخبندان با پوستهای لنین و دیگر رهبران انقلاب بلشویکی و نیز پرچم های سرخ در محکومیت رژیم یلتسین پاسخ دندان شکنی به یاوه گویی های یلتسین بود.

در مسکو گنادی زیوگانف، صدر حزب کمونیست فدراسیون روسیه و رهبر اپوزیسیون توده ای تظاهرات ۳۰۰/۰۰۰ نفره ای را هدایت کرد. او پرسید «آیا یلتسین از ۴ میلیون کودک بی خانمانی که در زیر زمین ها و سردابه ها و ایستگاه های راه آهن در مشقت بیتوته می کنند در مورد مصالحه سؤال کرده است؟... آیا او با ۲۰ میلیون مردمی که علی رغم تحصیلات عالی بیکار هستند و ۶ یا میلیون پناهنده ای که رژیم او

ترقی خواهان جهان ۸۰-مین سالگرد انقلاب اکتبر را به اشکال متفاوت ولی با وفاداری به ایده ال های انسانی و سوسیالیستی آن جشن گرفتند. در مسکو سیصد هزار تن از زحمتکشانش و ترقی خواهان روس در روز ۷ نوامبر، ۱۵ آبان ماه راهپیمایی در خیابان های پایتخت پیشین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ۸۰-مین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر را گرامی داشته و مخالفت خود را با سیاست های ضد کارگری و ضد ملی دولت یلتسین به نمایش گذاردند. دولت روسیه که مجبور شده است ۱۵ آبان ماه (۷ نوامبر) را تعطیل عمومی اعلام کند با اعلام کردن آن به عنوان «روز آشتی و مصالحه و توافق» سعی در سایه قرار دادن آرمان های سوسیالیستی که با این روز پیوند دارند و تبلیغ آشتی طبقاتی نمود. یلتسین در سخنرانی ای که از تلویزیون سراسری پخش شد خواهان پایان یافتن تقابل طبقاتی و سیاسی و در پیش گرفتن آشتی و مصالحه شد. او از مردم روسیه خواست که به تظاهرات کمونیست ها بی توجهی نکنند و در خانه های خود بمانند و «ترشی کلم» درست کنند.

ادامه در ص ۶

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:520

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

2 December 1997

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

- ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e. V. نام

790020580 شماره حساب

10050000 کد بانک

Berliner Sparkasse بانک